

واقعیت این است که واژه تنظیم‌گری از عالم بازار و اقتصاد وارد عرصه‌های فرهنگ و رسانه و هنر و حتی سیاست‌گذاری والی آزر شده و پیروشکست نظریه بازار، نظریه تنظیم‌گری در دنیا متولد شد



خیامی:

بخواهیم بگوییم پلتفرم‌ها خوب عمل کردند، خیر، اینگونه هم نیست، برخی از آنها، الفبای کسب و کار رسانه‌ای را هم نمی‌دانند و عمل نمی‌کنند، متفاوت‌اند، یا حرفه‌ای‌اند یا آماتور. حتی ما معلمان هم اینگونه هستیم، یعنی دانشگاه هم به اندازه کافی ادبیات و نظریه برای این کار تولید نکرده است.

بلبشویی است که همه در آن متضرر هستند. در گذشته مؤسسه رسانه‌های تصویری به عنوان متولی شبکه‌های نمایش خانگی منحل شد، در راستای انحلال سازمان‌های تابعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که یکسری ادغام و یکسری منحل شد، مؤسسه رسانه‌های تصویری ادغام شد و یک جوهرهایی از وزارت ارشاد خلع پد شد، مثل کاری که مصدق با خودش کرد، یعنی مصدق مجلس را منحل کرد و زمین‌ه کودتا فراهم شد. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دور قبل، خواسته یا ناخواسته، مؤسسه رسانه‌های تصویری را منحل کرد و عملاً زمین‌ه را فراهم کرد که شبکه نمایش خانگی از ید قدرتش خارج شود. بفرمایید رابطه ساترا با ذینفعان در این حوزه بر مبنای این مسائلی که شما گفتید برقرار شده یا خیر؟

خیامی: جلسه اگر بررسی عملکرد ساتراست، متصفانه و اخلاقی این است که از مسئولان ساترا هم کسی در جلسه باشد. خیر، بررسی عملکرد ساترا نیست اما عملاً پای ساترا وسط می‌آید. بحث تنظیم‌گر را می‌خواهیم بررسی کنیم.

خیامی: من اطلاعات کاملی از ساترا ندارم ولی در جریان تاریخ تحولات این قضیه بودم، وزارت ارشاد هم که در این حوزه قبل از صداوسیما کار می‌کرد، همین اشکالات بر آن وارد بوده است. سریالی‌هایی هم که در آن زمان، در مقطعی به تعبیر فرهنگستان، حامل‌های وحدت بودند و به صورت دی‌وی‌دی می‌آمد و ما از معلمان می‌خریدیم، محتوایشان بدتر هم بوده، سکانس‌هایی داشتند که حتی روایت کلامی‌اش هم شرم‌آور است، چیزی که امروزه در سریال‌ها نمی‌بینیم. ماجرا چیست؟ اساساً ما با فناوری‌های نوپدید مواجه هستیم، با روابط تولیدی، اقتصاد جدید، گردش کار و مصرف رسانه‌ای جدیدی مواجه هستیم که برای همه تازگی دارد، چه حاکمیت، چه کاربران و چه صاحبان این

کسب و کارها، همگی وارد فضای جدیدی شدند و اگر بخواهیم صحنه را توصیف کنیم، خطای همه این بخش‌ها را باید با هم ببینیم، کم‌تجربگی همه بخش‌ها را ببینیم. پلتفرم‌ها فعالیت‌هایی دارند، کنش‌ها و واکنش‌هایی دارند که با ناشی از بی‌تجربگی است، یا ناشی از ناآشنایی با این قضیه. ساترا هم این‌گونه است، ساترا هم بخشی از فعالیت‌هایش به نظرم به عمین علت است، ورود مجلس به این عرصه، چرا که ما به شدت دچار فقر حقوقی در این عرصه هستیم، شورای انقلاب فرهنگی هم که ورود کرده، سابقه‌ای در این حوزه ندارد. عرصه نوپدید است و اگر دلسوزانه و عالمانه بخواهیم به این میدان نزدیک شویم بایستی جوانب موضوع را ببینیم و اشکالات را بررسی کنیم، به یکدیگر بیاموزیم و نقدمان را به یکدیگر بگوییم، هم‌افزایی نیاز دارد تا از این مرحله عبور کنیم. خاص کشور ما هم نیست. من ۲۰ کشور را در این مورد بررسی کردم، همه این منازعات را داشتند، برخی هم که هنوز دارند، همین دعوی نتفلیکس یا نتفلیکس‌گرمش، در همین روزها. هرکسی هم در این کشور کاری دارد، ممکن است کسی کارش سیاسی باشد، حزب دارد و طبیعتاً است مدام یک طرف را بگیرد و یک طرف را بکوبد. تجربه تنظیم‌گری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تجربه خوبی نبوده و قابل دفاع نیست، شفاف عرض کنم، به آقای دکتر صالحی هم که از وزاری ارشاد بودند این را عرض می‌کردم، فرمایش خود ایشان هم بود. الان اگر بخواهیم بگوییم ساترا یک تنظیم‌گری مطلوبی ارائه کرده، نمی‌توانیم بگوییم. بخواهیم بگوییم پلتفرم‌ها خوب عمل کردند، خیر، این‌گونه هم نیست، برخی از آنها، الفبای کسب و کار رسانه‌ای را هم نمی‌دانند و عمل نمی‌کنند، متفاوت‌اند، یا حرفه‌ای‌اند یا آماتور. حتی ما معلمان هم این‌گونه هستیم، یعنی دانشگاه هم به اندازه کافی ادبیات و نظریه برای این کار تولید نکرده است، این موضوع را هم در نظر بگیرید. من در چند ماه اخیر، بعد

از مصوبه شورای عالی، مصوبات یا اسنادی که برای تصویب آماده شده را بررسی کرده‌ام، چه مصوبات مجلس و چه شورای عالی فضای مجازی، چه ارشاد و چه ساترا و صداوسیما، چه تبادلات و مکاتباتی بین شورای نگهبان و مجلس بوده، مصوبات و وزرا حتی، این موارد را کنار هم می‌گذارید، تشویب را می‌بینید. حتی فهم خود واژه تنظیم‌گری خیلی عجیب است، گفتارها و سخنان برخی از مسئولان در اسناد. ولی حسن کار را هم ببینیم. بالاخره حاکمیت، دیر یا زود متوجه این تشویب و نقیصه شده است. اولین نامه‌های ما به سال ۸۹ برمی‌گردد که گفتیم این اتفاق در حال افتادن است و شما هر چه دیرتر به این برسید، آسیب‌های بیشتری به سرمایه اجتماعی کشور خورده است، به نظرم خیلی زودتر از این می‌توانستند به آن برسند. در مجمع تشخیص مصلحت نظام هم مطرح کردم. یکسال به عنوان رئیس کمیته رسانه فضای مجازی برای حل همین مسأله به مجمع رفتم، اعضای محترم مجمع را دیدم، دریچه‌ای هم نبود که ما بتوانیم توضیح دهیم، تلاش کردیم حداقل یک بند و جمله در سیاست‌های هفتم توسعه بیاوریم، برخی از آقایان در آن سال یا با این مفهوم کاملاً غریبه و ناآشنا بودند و اطلاعات میدانی نداشتند، اجازه توضیح و دفاع هم ندادند. ببینید چقدر آسیب به سرمایه‌های اجتماعی کشور خورده است، این را به فال نیک می‌گیرم و لودیر، من نسبت به همه آقایانی که در تمام این سال‌ها خدمتشان رسیده‌ام، چه حقیقی و چه حقوقی، این گله را دارم، اما الان وقت این نیست که یک ضلع، ضلع دیگر را بکوبد، مقداری میدان را وسیع‌تر و جامع‌تر ببینیم و این فرصتی که پیش آمده به نظرم راه‌حل نهایی نخواهد بود.

در دوره‌های ذینفعان ما متکثر هستند و هر کدام قدرتی دارند و تا صحنه‌ای را می‌خواهیم درست کنیم، فناوری‌های جدیدی می‌آیند که مجدد شما نیاز دارید به صورت انعطاف‌پذیر به آن

رسیدگی کنید، ولی به هر حال یک گام به جلو است. در حال حاضر، دوستان ارشاد، صداوسیما و پلتفرم‌ها در حال صحبت هستند، در شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی فضای مجازی و ...

اولین بار است که همه اطراف موضوع در حال گفت‌وگو برای رسیدن به نقطه بهینه هستند، ما دو، سه ایستگاه دیگر برای رسیدن به شرایط مطلوب داریم که اقتضای این بازار است.

اینگونه که شما دو سه ایستگاه می‌گویید به گمانم دو سه دهه طول می‌کشد!

خیامی: خیر، ببینید در برخی از کشورها این فرایند ۲۰ سال طول کشیده، برخی ۳۰ سال، برخی ۱۰ سال، بستگی به مقولات بسیاری دارید. همین کلمه صوت و تصویر، کلمه‌ای است که نیاز به حکاک و تعریف دارد، با هوش مصنوعی اگر بیاید، برخی از این تنظیماتی که داریم، کاملاً تغییر خواهد کرد، هوش مصنوعی بیايد چه در فعالیت سکوها، چه در فعالیت تنظیم‌گرها، ماجرای دیگری رخ خواهد داد و چیزهایی که می‌نویسیم، احتمالاً کارکرد نخواهند داشت.

آقای علیزاده ادعایی کردند و گفتند ما قانون داریم سازمانی با عنوان ساترا وظیفه دارد ولی مشروعیت بین کاربران ندارد.

علیزاده: من مشروعیت نگفتم. بنده برداشتم این بود. گفتید با اینکه قانون است ولی شتون آن را پلتفرم‌ها قبول نمی‌کنند، نکته‌اش این است که خیلی‌هاشان در حال حاضر کار غیرقانونی می‌کنند و سریال بدون مجوز ساترا می‌سازند و بعد ساترا را در عمل انجام شده قرار می‌دهند. من سؤال این است که وقتی الان قانونگذاری می‌کنیم و ساترا وجود دارد و بخشی از نهاد صداوسیما به عنوان بخش قانونی پشت ماجراست و کار را جلو می‌برد، این قانونی بودن ماجرا، اگر طرف پلتفرم، بازیگر

